

آیا

فرزند

شما

پر خاشگر

است؟

در لغت‌نامه فارسی، پر خاشگری به معنی ستیزه‌جویی آمده است (دهخدا و معین) و "اتکینسون" معتقد است پر خاشگری رفتاری است که قصد از آن صدمه‌رساندن جسمانی و زبانی به فرد دیگر و نابود کردن دارایی افراد است (اتکینسون، ۱۳۷۱). به نظر "باندورا" پر خاشگری رفتاری است که از جهت اجتماعی، مخرب و صدمه‌زننده است. "لاکان" اعتقاد دارد: پر خاشگری به حالتی گفته می‌شود که در آن فرد منفی‌باف است، نسبت به همه چیز شک و تردید دارد و با نظر منفی به آنها می‌نگرد. و سرانجام "ارونسون" می‌گوید: پر خاشگری از ویژگیهای فطری و غریزی است و انسان، حیوانی پر خاشگر و ستیزه‌جوست (ارونسون، ۱۳۶۷).

سدین ترتیب هریک از متخصصان علوم رفتاری به برخی از ویژگیهای پر خاشگری توجه دارند و در عین حال در یک محور، یعنی صدمه‌رسانی به دیگران هم‌رأی هستند. اما به اعتقاد نگارنده، تعریفی کامل و جامع است که بتواند زوایای متعدد پر خاشگری، از جمله: ظلم به دیگران و آزار رسانی مالی و جانی به هموعان و حتی حیوانات، نباتات و جامدات را در برگیرد. به عبارت دیگر، پر خاشگری به رفتاری گفته می‌شود که منجر به تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی دیگران می‌گردد. پس هر رفتاری که به صورت گفتاری و جسمانی باعث آزار رسانی به دیگران شود، پر خاشگری نام می‌گیرد (شکاری، ۱۳۷۳).

پر خاشگری چیست؟

یکی از اختلالات رفتاری که در تمامی انسانها به‌ویژه در کودکان و نوجوانان، به صورت‌های مختلف بروز می‌کند، پر خاشگری نامیده می‌شود. متخصصان تعلیم و تربیت و روان‌شناسان، ناکون تعاریف مختلفی را درباره پر خاشگری ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.



مراحل پرخاشگری

شخصیت و منش او درمی آمیزد، به گونه‌ای که از این مرحله به بعد تغییر رفتار کودک بسیار مشکلتر خواهد شد. لذا باید اولیاء و مربیان کودک، آنجایی که جای مقاومت و ایستادگی است، مقاومت کنند و آنجایی که جای تربیت و اینار است، سازندگی و فداکاری نمایند.

مرحله سوم، مرحله شدت و تشدید پرخاشگری است. چنانچه پرخاشگری در دوره کودکی از مرحله اول (ساده) و مرحله دوم (شکل‌گیری) بگذرد، به مرحله شدت می‌رسد که نه تنها تغییرش بسیار مشکل است، بلکه فرد پرخاشگر در سنین بالاتر، تمایل مضاعفی را برای ستیزه‌جویی و ظلم به دیگران ابراز می‌دارد و تا پرخاشگری نکند، آرام نمی‌گیرد. لذا شایسته است که اصلاح رفتار نابهنجار پرخاشگری در کودکان، در همان مرحله اولیه صورت گیرد.

در افراد مختلف پرخاشگر و ستیزه‌جو، میزان و نوع پرخاشگری متفاوت و نیز دارای مراحل مختلف است.

اولین مرحله، پرخاشگری ساده و سطحی است. در این مرحله، ستیزه‌جویی فرد پرخاشگر از درشت سخن گفتن آغاز می‌شود و در مراحل بالاتر به صورت تمایلات دگرآزاری یا سادیسمی، گازگرفتن و گوشت بدن طرف مقابل را کندن بروز می‌کند.

مرحله شکل‌گیری، مرحله دوم پرخاشگری است. در این مرحله باید از کودکان در هنگام بروز خشم و نفرت آنها نسبت به طرف مقابل، مراقبت کرد؛ چرا که اگر کودکی چندبار این عمل را تکرار کند و مانع جدی در مقابل وی قرار نگیرد، به صورت "عادت" درمی‌آید و با

شوند. اما گاهی، همین عصبانیت کودک می‌تواند اولین نشانه افسردگی باشد (غالباً چنین رفتاری، واکنشی انفجاری و آتشین نسبت به خواستهها، محرومیتها و ناکامیهای کودک است)، که در چنین شرایطی نیاز به مشاوره و راهنمایی، رفتاردرمانی و روان درمانی خواهد داشت. چه بسا پرخاشگری شدید کودک به علت تنوع طلبی، عدم توان در به تعویق انداختن تمایلات و یا به علت احساس رنجش عمیق کودک بر اثر بی عدالتی یا تبعیض اولیاء و



موارد بروز پرخاشگری

معمولاً افرادی که ویژگیهای زیر را داشته باشند، به کرات رفتار ستیزه جویانه در حرکات آنان مشاهده می‌شود.

۱- آنان که از تربیت کافی و اقصاع‌کننده برخوردار نشده باشند.

۲- آنان که مدیر لایقی برای خود نیستند و بر اعصاب خویش تسلط ندارند.

۳- افرادی که دچار بیماریهای متعدد طولانی شده و قدرت تحمل خود را از دست داده‌اند.

۴- اشخاصی که محیط خانه و کارشان، محل درگیریها و برخوردهاست (فرقانی، ۱۳۷۲).

۵- و سرانجام کسانی که در برخوردها و پرخاشگریهای نابجای قبلی شان، پاسخ بازدارنده‌ای دریافت نکرده و نیز به موقع تشویق و تنبیه نشده‌اند، دچار رفتار نابهنجار پرخاشگری هستند.

میزان و ثبات پرخاشگری

تحقیقات نشان داده است که پرخاشگری و ستیزه جویی در دوران کودکی تا حدودی عادی تلقی می‌شود. اما اگر رفتار پرخاشگرانه در کودکی تکرار گردد و از حد معمولش خارج شود، این کودک جزو کودکان پرخاشگر محسوب می‌شود. به طوری که عصبانیت و لجبازی کودک در ارضای نیازهای جسمی و عاطفی و یا درخواست اشیای مورد نیاز خویش، می‌تواند به منزله یک رفتار تند و تأثرآور محسوب گردد و اولیاء راضی به انجام خواست کودک، بطور خواسته یا ناخواسته

نشان داده است که میمونهای ماده در حفاظت از بچه‌های خود و بچه‌های در راه به گله پیوسته، دقت بیشتری دارند و میمونهای نر، پرخاشگری بیشتری نشان می‌دهند (گنجی، ۱۳۷۱).

بدین ترتیب در بین انسانها هم بیشتر ظالمان، قداران و خون‌آشامان روزگار از جنس مذکر بوده‌اند تا جنس مؤنث. بنابراین اگر این ارتباط را بپذیریم، تا حد زیادی به پسران بیش از دختران، اجازه پرخاشگری داده‌ایم.

علل پرخاشگری

اگرچه خانواده و عوامل اجتماعی تأثیرات بسزایی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری پرخاشگرانه در کودکان دارند، اما این عوامل تنها علل زیربنایی پرخاشگری محسوب نمی‌شوند. به نظر می‌رسد که عوامل ژنتیکی نیز در تعیین اینکه کدام کودکان دارای اختلال رفتاری هستند، مؤثر است. در این زمینه تحقیقی مبنی بر مقایسه آماری رفتار پرخاشگرانه و بزهکاری در فرزند خوانده‌ها با پدران واقعی و پدرخوانده‌های آنان صورت گرفته که نتایج آن نشان داده است رفتارهای خشونت آمیز و بزهکارانه در کودکان بیش از آنکه به آمار این رفتارها در پدرخوانده‌هایشان نزدیک باشد، به رفتار پدران واقعی آنها که هرگز با آنها زندگی نکرده‌اند، شباهت دارد. (Mednick, 1978)

عامل دیگر، عامل انگیزشی در پرخاشگری است. به این معنا که اکثر روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت پرخاشگریها را براساس نیت، قصد و انگیزه پرخاشگری

اطرافیان باشد. (شکاری، ۱۳۷۳، صفحه ۱۸)
خشم در کودکان به صورت‌های مختلف مانند: گریه کردن، گاز گرفتن، دشنام دادن، شکستن اشیاء، فریاد کشیدن، خود را به زمین زدن، خود را به خاک مالیدن، سر را به دیوار زدن و حتی کسک زدن اولیاء تظاهر می‌کند. در چنین شرایطی اولیاء و اطرافیان موظفند با استفاده از تکنیک‌های رفتاردرمانی اولاً علت رفتار را بررسی کنند. ثانیاً میزان و مقدار تکرار آن را در طول روز و هفته و ماه مطالعه نمایند، ثالثاً با حساسیت‌زدایی تدریجی، کاهش مکانیزمهای تقویت‌کننده رفتار پرخاشگرانه کودک و با افزایش مکانیزمهای بازدارنده رفتار پرخاشگرانه وی، در صدد حل مشکل رفتاری و عاطفی کودک برآیند.

هرچند که سطح پرخاشگری کودکان از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است، اما از لحاظ تداوم رفتار پرخاشگرانه در طول زمان نیز باهم فرق می‌کند. مطالعات علمی و تجربی نشان داده است کودکانی که درسالهای اولیه زندگی به شدت پرخاشگرند، به احتمال زیاد در نوجوانی و بزرگسالی هم پرخاشگر خواهند بود. برخی از مطالعات نیز نشان می‌دهند که ثبات پرخاشگری در میان دختران و پسران، متفاوت است. به طوری که پرخاشگری دختران در طول زمان کمتر از پسرانست، ولی با وجود این، چندین مطالعه دیگر نشان داده است که دخترها و پسرها از این لحاظ تفاوتی ندارند (Parket, GL.1983). به طورکلی به نظر می‌رسد که پرخاشگری با جنسیت رابطه مستقیمی دارد، چراکه در میان حیوانات، خروس نسبت به مرغ و گوسفند نر نسبت به گوسفند ماده، پرخاشگری بیشتری دارد و حتی تحقیقات

پرخاشگری شخصیت کارتونی را دیده بودند، از خود نشان دادند (باندورا، ۱۹۷۳). همچنین به نظر صاحب نظران مسائل اجتماعی و علم ارتباطات، دیدن پرخاشگری هم به عنوان سرمشق (مثلاً تماشای خشونت و پرخاشگری بر صفحه تلویزیون و پرده سینما) و نیز شنیدن صدای خشونت‌آمیز از طریق رادیو و حتی خواندن داستانهای جنایی و پلیسی بر افزایش رفتار پرخاشگرانه اثر می‌گذارد. اما به نظر برخی دیگر از صاحب نظران، نه تنها صدا و سیما و مطبوعات عامل رشد رفتار پرخاشگرانه بینندگان و شنوندگان نیستند، بلکه تماشا و شنیدن برنامه‌های خشونت‌آور موجب تخلیه هیجانی می‌گردد و مفرّ خیالی و غیر واقعی برای تنش پرخاشگرانه شمرده می‌شود. اینک به منظور روشن‌تر شدن این مطلب که شنیدن و دیدن برنامه‌های خشونت‌آمیز رادیو - تلویزیونی و سینمایی چه تأثیری در کاهش یا افزایش پرخاشگری در کودکان دارد، به چند پژوهش تجربی اشاره می‌شود.

در یک مطالعه آزمایشی، یک گروه از بچه‌ها، کارتونهای خشونت‌آمیز را به مدت معین و در اوقات مشخصی تماشا کردند و گروه دیگر کارتونهای بی خشونت را به همان مدت تماشا نمودند. همچنین سعی گردید که مقدار پرخاشگری کودکان در فعالیتهای روزمره‌شان به دقت ثبت شود. نتیجه این شد که کودکانی که کارتونهای خشونت‌آمیز تماشا کرده بودند در کنش متقابل با همگنان خویش پرخاشگرتر بودند، حال آنکه گروه تماشاگران کارتونهای بی خشونت، تغییری در پرخاشگری خویش با دیگران نشان ندادند (استوبر، اپل فیلدو اسمیت، ۱۹۷۱).

تقسیم‌بندی می‌کنند. به طوری که آنها بین پرخاشگری خصمانه که تنها هدفش آسیب‌رسانی است با پرخاشگری وسیله‌ای که هدفش کسب پاداش (مقام، پول، نمره و...) از طرف مقابل است، تفاوت قائلند. پرخاشگری وسیله‌ای از زدوخورد برای دفاع از خویش، حمله به کسی که در حال دزدی است و درگیری برای نشان دادن قدرت و تسلط خویش را شامل می‌شود.

اینک مهم این است که در تحلیل و اقدام برای رفع پرخاشگری و خشونت افراد به هر دو نوع عامل انگیزشی یعنی پرخاشگری خصمانه و پرخاشگری وسیله‌ای توجه شود تا در کاهش پرخاشگریهای افراد، بیش از پیش مؤثر واقع گردد.

تقلید پرخاشگری

تحقیقات نشان می‌دهد که الگوگیری در پرخاشگری کودکان و نوجوانان مؤثر است و از راه تقلید، رفتار پرخاشگرانه افزایش می‌یابد. در تحقیقی که در این زمینه صورت گرفت، عده‌ای از کودکان یک مهدکودک را به دو گروه متفاوت تقسیم کردند.

گروه اول فیلمی را مشاهده کردند که در آن فرد بزرگسالی به یک عروسک، پرخاشگری می‌کرد و گروه دوم فیلمی را تماشا کردند که در آن یک شخصیت کارتونی به یک عروسک، پرخاشگری می‌کرد. نتایج این آزمایش بسیار قابل توجه بود، به گونه‌ای که گروه اول یعنی کودکانی که پرخاشگری موجود زنده را نسبت به عروسک دیده بودند به مراتب پرخاشگری بیشتری نسبت به گروه دوم یعنی کودکانی که

دختران را بابت رفتار پرخاشگرانه کمتر تشویق و تقویت می‌کنند، بلکه قضیه برعکس است؛ چون بیشتر نقشهای پرخاشگرانه در صدا، سیما و مطبوعات برعهده مردان است و لذا احتمال اینکه دختران الگویی برای پرخاشگری بیابند کمتر است. اما با افزایش نقش زنان پرخاشگر در برنامه‌های کنونی و وسایل دیداری و شنیداری (مثلاً زنان کارآگاه، نظامی و جنایتکار)، ممکن است این وضع تغییر کند.

شیوه‌های کاهش رفتار پرخاشگرانه

۱ - حذف و کاهش سبکهای آموزشی پرخاشگرانه کردار:

مشاهده می‌شود که کودکان دقیقاً رفتار سرمشکهای پرخاشگر را تقلید می‌کنند و گهگاه دیده و یا شنیده‌اید که برخی از کودکان کم‌سال یا نوجوانان، عمل خشونت‌آمیزی را که قبلاً در تلویزیون دیده بوده‌اند، عیناً تقلید کرده‌اند. به طوری که اداره‌های پلیس گزارش می‌دهند تعدادی از جنایات همراه با خشونت، نتیجه تقلید افراد از نمایشهای تلویزیونی بوده است (مانکوویچ و سوردلف، ۱۹۷۷). بنابراین لازم است در تهیه، ارائه و پخش برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و سینمایی به این نکته توجه شود که زمان پخش و نحوه پخش آن در صدا و سیما و سینما برای کودکان و نوجوانان، محدودتر و یا زمانهای پخش آن در مواقعی باشد که آنها در منزل یا محل مورد نظر نباشند، در خواب به سربرند و یا برای کودکان کم‌سن و سال، معذوریت ایجاد گردد.



برخی مطالعات انجام شده در مورد همبستگی پدیده‌ها، نشان داده‌است که بین مدتی که کودک در معرض خشونت تلویزیونی قرار می‌گیرد - یعنی آن را تماشا می‌کند - با درجه استفاده او از رفتار پرخاشگرانه برای حل تعارض‌هایش با دیگران تناسب مستقیم وجود دارد (سینگر و سینگر، ۱۹۸۱).

البته این همبستگی به معنای ارتباط علی نیست، بلکه احتمالاً قضیه این است که کودکان پرخاشگرتر، تماشای برنامه‌های خشونت - آمیزتر را ترجیح می‌دهند.

تحقیق دیگری که ایرون و همکاران در سال ۱۹۷۲ میلادی انجام دادند نشان داد که کودکان تماشاکننده برنامه‌های خشونت‌آمیز در روابط شخصی‌شان با دیگران، پرخاشگرتر از کودکان تماشاکننده برنامه‌های کم‌خشونت بودند و نکته دیگری که با نتایج سایر مطالعات قبلی همخوانی داشت این بود که دختران خیلی کمتر از پسران رفتار پرخاشگرانه را تقلید می‌کنند، مگر آنکه بخصوص برای این تقلید، از مکانیزمهای تقویتی استفاده شود. در جامعه ما



لازم است به گونه‌ای در جهت برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، عدم تبعیض در اجرای قوانین و همچنین توزیع متعادل امکانات موجود در خانه، مدرسه و جامعه و ... سامان‌دهی شود تا زمینه‌نا مساعد برای پرخاشگری، خشونت‌آفرینی و اعتراض‌سازی افراد کاهش یابد و در صورت امکان از بین برود.

۴ - تقویت روحیه ایمان، ایثار و فداکاری در پرورش کودکان:

این تکنیک می‌تواند زمینه‌تربیتی و فرهنگی مناسبی را در برخورد با دیگران، رعایت حق و حقوق خود و دیگران، احترام به قوانین و مقررات اجتماعی، مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی، گذشت و ایثار در قبال رفتار ناپه‌نچار دیگران و ... فراهم کند. تربیت دینی و مذهبی در این شیوه بسیار مؤثر و کارساز است. همچنین استفاده از رهبران سیاسی و اجتماعی

۲ - افزایش مهارت‌های کنترل رفتار پرخاشگرانه:

از آنجا که بیشتر افراد در سن جوانی و بزرگسالی به طور عام و در سن کودکی و نوجوانی بطور خاص، تکانه‌های پرخاشگرانه خود را کنترل می‌کنند، لازم است در مواقع خشم و غضب از طریق توصیه، پند و اندرز، نصب اطلاعیه‌ها و ... با جملاتی مانند: گذشت و ایثار رسم انسانیت است و ... رفتار پرخاشگرانه فرد را کاهش داد.

۳ - کاهش عوامل پرخاشنا:

امروزه، فقر اقتصادی، تبعیض و فاصله طبقات اجتماعی (فقیر و غنی - شهری و روستایی - شمال شهری و جنوب شهری)، ازدحام و تراکم جمعیت، نحوه برخورد مقام‌های انتظامی مثل پلیس و ارزشهای فرهنگی که فرد به آن وابستگی دارد، نمونه‌هایی از این عوامل پرخاشنا هستند که

ناحق از دروغ‌گوییهای خود - احساس ناکامی و شکست در برقراری ارتباط عاطفی در زمانها و مکانهای مختلف - خواهان بی‌نظمی بودن و ایجاد مزاحمت برای دیگران.

منابع:

- ۱- اتکینسون، ریچارد، هیلگارد وارنست، زمینه روان‌شناسی، ترجمه گروهی از متخصصان، انتشارات رشد، سال ۱۳۷۱.
- ۲- ارونسون، الیوت، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه دکتر شکرکن، انتشارات رشد، سال ۱۳۶۷.
- ۳- شکاری، عباس، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه کاشان، ۱۳۷۳.
- ۴- خرقانی رئیسی، شهلا، شناخت مشکلات رفتاری، دفتر مشاوره و تحقیق، ۱۳۷۲.
- ۵- گنجی، حمزه، تفاوت‌های فردی، انتشارات بعثت، سال ۱۳۷۱.
- ۶- ایرون و همکاران، ۱۹۷۲.
- ۷- استوبر، آپل فیلد و اسمیت، ۱۹۷۱.
- ۸- باندورا، ۱۹۸۳.
- ۹- سینگر و سینگر، ۱۹۸۱.
- ۱۰- مانکوویچ و سوردلف، ۱۹۷۷.
- ۱۱- نهج البلاغه، حضرت علی (ع).

12 - PARKET, 1983

13 - MEDNICK, 1978

جامعه، فرهنگیان بانفوذ، متخصصان علوم تربیتی و روان‌شناسی در ارائه برنامه‌های آموزشی رادیو - تلویزیونی و سخنرانیها، تهیه و تدوین و ساخت فیلمهای آموزشی مناسب، تنظیم برنامه‌های تفریحی، سیاحتی و زیارتی مطلوب و ... می‌تواند در تقویت روحیه عمومی و همگانی ایثارگری و فداکاری مردم بسیار مؤثر باشد.

۵- ساخت و ارائه مجموعه استدلالهای منطقی و الگوهای مناسب:

برای کاهش پرخاشگری، خشونت‌آفرینی و ظلم‌افزایی باید مجموعه‌ای از استدلالهای منطقی و الگوهای مناسب ساخت و برای کودکان و نوجوانان بطور زیبایی، تصویری و عملی نشان داد که خطرهای پرخاشگری و پریشانی حاصل از اعمال پرخاشگرانه، نه تنها در قربانیان پرخاشگری، بلکه در خود پرخاشگران و وابستگان آنها - وحشی در جوامع - اثر منفی و نامطلوب به جا می‌گذارد و افراد پرخاشگر نیز خود روزی به دام پرخاشگری افراد دیگری گرفتار خواهند شد. پس به قول حضرت علی (ع) "هرآنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نیز مپسند."

۶- کاهش و حذف اعمال پرخاشگرانه از طریق

شناخت علل و رفع آنها:

با همکاری مشاور، روان‌درمان و مربیان مجرب می‌توان علل پرخاشگریهای زیر را تشخیص داد و در صدد رفع آنها برآمد: تندخویی مداوم و تجاوز به حقوق دیگران به طور مکرر - دروغ‌گویی و اصرار بر آن و دفاع